وجه ثبوتی رواىات عدد

شاگرد۲: فرمودی قرینه داخلی که فرمودی دارد افق دیگری را مطرح میکند، با این مواردیکه ظاهر رواىت این است که پیاده شدهاند، با هم سازگاری دارد؟ مقصود از اینکه دارد افق دیگری را میگوید، چیست؟

استاد: آن چه که مقصود من از قرینه داخلیه بود، تنها نگاه فقهی بود. دست ما از نگاه های باطنی و معرفتی آن کوتاه است. منظور من آن نبود. من به قرینه داخلیه نگاه فقهی داشتم. گفتم وقتی میدانیم که سه حرکت است و اگر این حرکات را باز کنیم و با هم منطبق کنیم، هیچکدام به نحو عدد صحیح روی هم منطبق نمیشوند. هر کدام از آنها زیادی دارند. مثل پاره خط هایی است که هیچکدام از آنها به نحو صحیح روی هم منطبق نمیشوند. وقتی این چیز واضح را داریم، در اینکه چطور برچسب روز و شب را بهعنوان یک شنبه و دوشنبه، اول و دوم ماه، به حرکت قمر در یک دور خودش که بیست و نه روز و نیم است بزنیم؟ از چه زمانی بگوییم که روز اول ماه است؟ یک شنبههای باشد برای ماه مبارک، نه برای شعبان. و حال اینکه روز یک حرکتی بود که راسمش غیر از راسم حرکت ماهیانه و دور قمر بود. اگر این را درک کنیم که ثبوتا برای این برچسب زدن و تطبیق این قطعات شب و روز بر قطعه یک دور ماه گزینههای متعددی داریم، روشن میشود. هر گزینه ای هم یک مفاسدی دارد و یک منافعی دارد. یک آثار خوبی دارد و یک تسهیلاتی دارد و یک مشکلاتی به بار میآورد. اگر ما این را بفهمیم در چنین فضایی قرینه داخلیه فقهی رواىات عدد مطرح میشود که قرینه داخلیه به ما میگوید که من به یک وجه ثبوتیی در تطبیق این حرکات به هم هستم، که وقتی با وسیله آن وجه ثبوتی کل تقویم عالم را از اول تا آخر میبینیم، این وجه ثبوتی نافع است و معنا دارد.

شاگرد: گاهی ممکن است که خود قرینه یک معارضی داشته باشد، در اینجا این را به صوم پیامبر ص نسبت میدهند که پیامبر صلیاللهعلیهوآله سی روز کامل روزه گرفت. این نوع نگاه به قرینه خودش را تضعیف نمیکند؟

استاد: یعنی وقتی بخواهد اخبار از واقعهای باشد که مخاطبین میفهمند، حرف شما درست است. و لذا جلسه قبل به این صورت توضیح دادم که وقتی حضرت با آن افق مطرح میکنند، وقتی به اخبار خارجی میآیند نمی فرمایند همه ملّت السلام تام گرفتند و این رواىات اهلسنت و شیعه که علماء شیعه در کتبشان دارند... . در جایی دیدم تند شده بودند که چه شهرتی است؟! ظاهراً علامه شعرانی بود که به مرحوم فیض ایراد گرفته بودند. مرحوم فیض گفته بودند در مانحن فیه دو دسته رواىات متعارض هستند. آقای شعرانی میگویند این چه حرفی است که شما میگویید ما در اینجا دو دسته رواىات داریم که متعارض هستند؟! بین متواتر و شاذ تعارض معنا دارد؟! بین یک چیز جا افتاده و مستقری که همه شیعه و اهل السلام -شهر گاهی تام و گاهی ناقص است- دارند با چند رواىت شاذی که خودش محل کلام است تعارض است؟! تعارض باید مستقر شود، باید توان این را داشته باشد که معارض در مقابل او بایستد.

بازبینی #1
ایجاد شده 9 آوریل 2026 12:50:38 توسط ... .
به روزرسانی شده 9 آوریل 2026 12:51:17 توسط ... .